



پخش کننده: ماه مهر پور ۱۳۹۸
شماره: ۲۲ | ۱۴۴۱ | ۲۲
سال سی و دوم
شماره ۸ و ۹
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

روایت مجازی

هشتگ #میدان_التحریر ترند جهانی توئیتر شد

تکرار سریع تاریخ



مصر، شده بود مرکز انقلابی‌ها. «ملک فاروق» که ور افتاد، طرفداران «جمال عبدالناصر» اسم میدان را گذاشتند «التحریر» یعنی «نجات». پس از آن، یک مصر بود و یک میدان التحریرا مصری‌ها در همین میدان تاریخ را تغییر داده بودند. لابد به همین خاطر بود که ۶۰ سال پس از انقلاب ۱۹۵۲ مصر، آن‌هایی که دلشان می‌خواست تاریخ مصر را یکبار دیگر عوض کنند، باز دست گذاشتند روی میدان التحریر. اوایل سال ۲۰۱۱ اهالی مصر پس از ۳۰ سال، علیه «حسنی مبارک» شوریدند و در میدان التحریر تظاهرات کردند. در کتاب‌های تاریخی اگر خوب بگردید، نصفشان شلوفی‌های سال ۲۰۱۱ را «انقلاب مصر» نامیده‌اند و نصف دیگرشان هم «کودتای مصر». یعنی خیلی‌ها می‌گویند روی کار آمدن «محمد مرسی» در پشت نام اخوان المسلمین، ناشی از تب داغ جنبش‌های عربی در آفریقا و آسیای غربی بود اما کیست که نداند همه چیز از پیش تعیین شده بود و نه مرسی اخوانی واقعی بود و نه مردم در سقوط حسنی مبارک نقش آنچنانی داشتند؛ اصلاً کودتای از پیش برنامه‌ریزی شده مرسی و حمایت‌های پشت پرده غربی‌ها اگر نبود، حسنی مبارک حالا حالاها روی کار می‌ماند. سرنوشت مصر اما حدود دو سال بعد یکبار دیگر تغییر کرد. این بار هم میدان التحریر مرکز ناآرامی‌ها بود. روابط گرم مرسی با صهیونیست‌ها، دشمنی پشت پرده‌اش با حماس و مواضع ضد مقاومتش اجازه نداد رئیس‌جمهور مائلا اخوانی مصر، بیشتر از دو سال روی کار بماند. مرسی که نمی‌خواست یاور کند خیلی زود به سرنوشت رئیس‌جمهور قبلی مصر دچار شده هیچ‌چیزه زور باز را استعفا نرفت تا اینکه کودتای نظامی «عبدالفتاح سیسی» فرمانده وقت ارتش مصر، سرنوشت این کشور را یکبار دیگر زیر و رو کرد و چهارمین رئیس‌جمهور تاریخ مصر را هم به زیر کشید.

قدیمی‌ها می‌گویند تاریخ تکرار می‌شود. این جمله را هر کس قبول نداشته باشد، اهالی مصر به خصوص سیاستمدارهایش لابد خوب به آن باور دارند! نگاهش هم میدان التحریر که از حدود ۷۰ سال پیش تا امروز، بارها رفت‌وآمدهای سیاسی را دیده است. میدان التحریر شاهد از عرش به فرش رسیدن‌های زیادی بوده و بارها دیده است آتش زدن تصاویر مردی را که روزگاری تصاویرش به عنوان منجی مصر به در و دیوار می‌چسبیدند. درست مثل امروز که شعله‌ها در این میدان زبانه می‌کشند و دود ناشی از سوختن تصاویر «عبدالفتاح سیسی» دور تا دور میدان را خاکستری رنگ می‌کند. همان مردی که تصاویرش چند صباح پیش و پس از برکناری مرسی، گلباران می‌شد و مردم برای انتخابش به عنوان پنجمین رئیس‌جمهور مصر لحظه شماری می‌کردند.

این بار اما همه چیز از یک فراخوان اینترنتی آغاز شد. فراخوانی که توسط «محمد علی» فعال اقتصادی مصری که در تمبید خودخواسته در اسباب‌ها به سر می‌برد، صادر شده بود. محمدعلی از حدود یک هفته پیش، افشاشگری‌هایش مجلس دولت و ارتش مصر را آغاز کرده است. افشاشگری درباره ساخت کاخ‌های مجلل ریاست‌جمهوری با پول بیت‌المال و انواع و اقسام فسادهای مالی دولتی. هرچند رسانه‌های داخلی مصر، تظاهرات علیه سیسی را تکذیب می‌کنند اما هشتگ #میدان_التحریر در حال حاضر پر تکرارترین هشتگ جهانی توئیتر است و بر پایه آمارهای این شبکه اجتماعی، بیش از یک میلیون توئیتر در این باره منتشر شده است. در این میان سیسی هنوز واکنشی به این شلوفی‌ها نشان نداده اما آن طور که رسانه‌های رسمی می‌گویند قصد دارد سفرش به نیویورک برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل را لغو کند و به مصر برگردد. هنوز برای اظهار نظر درباره «محمدعلی» مدعی جدید انقلاب مصری‌ها که تصاویرش روی دست معترضان حاضر در میدان التحریر حمل می‌شود، زود است اما او در آخرین بیانیه مجازی‌اش، از محمد زکی، وزیر دفاع مصر خواسته سیسی را به دلیل ریختن خون مصری‌ها بازداشت کند و گزینه خودش به مصر خواهد آمد و رهبری تظاهرات را در دست خواهد گرفت. ماجرای که شاید برای مصری‌هایی که هنوز شلوفی‌های سال ۲۰۱۱ و کودتای وزیر دفاع وقت مصر یعنی سیسی، علیه رئیس‌جمهور را به خاطر دارند، زیاد تازگی نداشته باشد. آیا حق با قدیمی‌هاست که می‌گویند تاریخ تکرار می‌شود؟

اخبار به تعطیلات نمی‌روند

رقیه توسلی: سرتپه‌ری ایستادهم پای گاز. برای ما جماعت نسوان، روز تعطیل فقط استمن تعطیل است و گرنه که از روز کاری، سرشلوغ‌تریم. همزمان ظرف می‌شویم و زیرلی شعر می‌خوانم و بالای سر بادمجان‌ها با یک چنگال کشیک می‌دهم که تراز دهنم با شنیدن چند جمله می‌یزد به هم و سلول‌های خاکستری‌ام شکل بادمجان‌های نیمه سرخ می‌افتند به جاز و ولز. شعله را کم می‌کنم و از آشپزخانه می‌زنم بیرون... افتادهم به تیش... از پس ظرف قلیم کوچک است و واکنشم به اخبار ناخوشایند درجه سه، همان قدر منفی است که به اخبار ناخوشایند درجه یک!

آقای همسر می‌گویند: همه دارایی دوستش رفته روی هوا و ایشان با چهار سرنعانه حالا سفیر و سرگردان خانه اقوام شده‌اند. گویا ماحصل مالی ۲۰ ساله یعنی خانه، اتومبیل و پس اندازشان را واریز کرده‌اند به حساب یکی از همین آژانس‌های تقلبی مهاجرت!

برای دوست مالی‌باخته، جگرم کباب است! برای آقای همسر که خودش را در مقام رفیق به آب و آتش می‌زند برای خودم که در دنیای اخبار و خشونت و غم و ناامنی دچارم به بالای بی گنجایشی! و برای سارقانی که مثلاً در کوچه علی چپ زندگی می‌کنند اما بهتر از همه می‌دانند مال دزدی و قاچاق نمی‌کنند و همیشه مهلت توبه با نمی‌دهند!

پی نوشت یک: انگار ترسنکای دنیا تمامی ندارد این جمعه. آقای همسر تلویزیون را روشن می‌کند و بانوی اخبار گو مثل من که تند تند کدوها را می‌چینم توی ماهیاتیبه، خبرهای دلخراش را به سمع و نظر می‌رساند. **دو:** جنبه خبری‌ها بد را ندارم. دوستم دارم توی حباب شیشه‌ای زندگی کنم. بدون اخبار. هی درز پنجره‌ها را می‌گیرم، می‌جاری‌رویی می‌کنم اما فایده‌ای ندارد. دلم می‌خواهد دست‌هایم را بگذارم روی گوش‌ها و بلند بخوانم: «لالالالا» تا آنچه را نمی‌خواهم، نشنوم!

محمدعلی باشه آهنگر، کارگردان «سرو زیر آب» به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس در گفت‌وگو با قدس عنوان کرد

شهدا واسطه پیوند ادیان



هت تریک قهرمانی با انتقام از استرالیا

آسیا در پنجه بلند قامتان ایران

عکس: علیرضا خلیلی / صدا و سیما



ورزش

زیدان هنوز نتوانسته رئال را از بحران خارج کند

کهکشان هنوز تاریخ است!

کریمی نقره گرفت، امامی برنز

در انتظار طلای خوشرنگ یزدانی

حاصل کار کشتی‌گیران ما دیروز در مسابقات جهانی یک نقره و یک برنز بود تا امروز همه چشم‌ها به حسن یزدانی برای دشت اولین طلای کاروان ایران باشد. دیروز علیرضا کریمی نماینده وزن ۹۲ کیلوگرم ایران و دارنده دو مدال برنز جهان در دبیار فینال و در یک مبارزه حساس برابر جی‌دن کاکس قهرمان جهان ۲۰۱۸ از آمریکا به روی تشک رفت و در پایان با نتیجه ۴ بر صفر شکست خورد و به مدال نقره رسید. کریمی در حالی که این مبارزه را واگذار کرد که اقدام خاصی برای گرفتن امتیاز از حریف قلدن آمریکایی نکرد...

نودمین نبرد استقلال و پرسپولیس

امروز ساعت ۱۶:۰۰ در آزادی برگزار می‌شود

دربی ایتالیایی - آرژانتینی وسط کنفرانس خبری

مجاز آباد

از خدا بترسید

ماجرای دستگیری باندماسازورها که هفته گذشته در فضای مجازی داغ شد انگار نمی‌خواهد به این زودی‌ها سرد شود. همه دافعی خبر هم به خاطر شایعه‌ای بود که ادعا می‌کرد برادرزاده یکی از نمایندگان مجلس در میان دستگیرشدگان بوده است. حالا خود خاتم نماینده در فضای مجازی دست به کار شده و شایعه را تکذیب کرده است. پروانه سلحشوری در توئیتر نوشته: «دو برادرزاده چهار و ۲۰ ساله دارم که اکنون کنار خانواده در اهواز هستند. برادرم که فرزندش ۲۰ ساله است در نوجوانی به جبهه رفته و جانباز است... از خدا بترسید و آخرت خود را فدای دنیای دیگران نکنید.»

حال حاج میثم خوب است

در چند روز گذشته، اخبار ضد و نقیضی از اوضاع جسمانی وخیم حاج میثم مطیعی در فضای مجازی منتشر شده بود. میثم مطیعی هم در واکنش به این اخبار، در صفحه اینستاگرامش نوشت: «سه عمل جراحی را از زمستان ۹۷ تاکنون پشت سر گذاشتم و هم اکنون در دوره نقاهت و بازیابی سلامتی هستم. راضی به رسانه‌های کردن این مسئله نیومدم، اما مطالب منتشر شده در برخی رسانه‌ها مرا به این ورطه کشاند. خبر خوب، موجب حال خوب در شستونده و بیننده می‌شود. نیاز جامعه ماست که از التهابات روانی و رسانه‌ای به دور باشد.»

خبرهای خوب برای یعقوب

میهمان چند روز پیش برنامه «بدون تعارف» معلمی به نام «سید احسان موسوی» بود که بابت کمک‌هایش به دانش‌آموز معلولی به نام «یعقوب» که توانایی حضور در کلاس درس را نداشت، به این ماجرا در توییت نوشته است: «بعد از برنامه خیلی‌ها تماس گرفتند. از مردم خیر و خومنان تا مسئولان و نهادهای مختلف. در روزهای آینده خبرهای خوشی برای یعقوب در راه است.»

انتقاد بیابانکی از تابلوهای شهری

سعید بیابانکی، شاعر و طنزپرداز مطرح کشورمان با انتشار پستی در توئیتر در صفحه شخصی خود از اشتباه شهرداری در درج شعری معروف بر یکی از تابلوهای شهری تهران انتقاد کرد. بیابانکی در توئیتر نوشته است: «شهرداری تهران به مناسبت هفته دفاع مقدس یک مصراع از قادر طهماسبی (فرید) را به غلط روی بیشتر تابلوهای بزرگ تهران نوشته است: از این مرقعه بی فتح برمی‌گردیم؛ که درستش این است: از این مدافعه بی فتح برمی‌گردیم! مگر که مرکب ما بی‌سوار برگردد. آخه به مصراع اون هم غلط!»

شهید «مرحمت بالازاده» را بیشتر بشناسید

ایران اوغلانی

امجد تربت‌زاده: در اینکه کودکان و بچه‌های امروز اصلاً شباهتی به بچه‌های دهه ۶۰ ندارند، شکی نیست. منتها مقصر این شبیه نبودن، نه کودکان امروز اند و نه بچه‌های دیروز. یعنی اگر پس از خواندن این مطلب احتمالاً حیرت‌زده شدید و با از سر تان گذشت که: بچه هم بچه‌های قدیم! کمی به این بخش ماجرا فکر کنید که دلیل این همه تفاوت در و همیشه در امور فرهنگی و تبلیغاتی، کاری پیدا می‌شد که مرحمت از پس آن فریباید. کودک اردبیلی اما به این قانع نبود. در دوره‌های آموزش نظامی هم با وجود همه مخالفت‌ها و دشواری‌هایش شرکت می‌کرد و در ضمن، بکنه کارهای فرهنگی و تبلیغی پایگاه بسیج را پیش می‌برد. اگر چه جته کوچک و چهره کودکش اغلب تاب تو چشم بود اما حرف‌ها و کارهایش آن قدر بزرگانه به نظر می‌رسید که بسیجی‌ها و اهالی روستا گاهی واقعاً بچگی‌اش را فراموش می‌کردند. همدوره‌ای‌هایی که چهار یا پنج سال او بزرگتر بودند، تعریف کرده‌اند که مرحمت موقع صحبت کردن با مسئولان منطقه، در بیان کمبودها و محرومیت روستا، گفتن از مشکلات... اصلاً شباهتی به کودک ۱۱ یا ۱۲ ساله نداشت و همین ماجرا سبب حیرت همه و البته محبوبیت مرحمت در میان آن‌ها می‌شد.

این بچه از اردبیل آمده

رئیس‌جمهور از ساختمان ریاست جمهوری بیرون آمد تا خودش را زودتر به جلسه‌ای که باید در آن شرکت می‌کرد برساند. تا از ساختمان برسد به ماشین، سروصدا بلند شد. ۲۰ متر از طرفت، محافظان ساختمان دور کسی حلقه زده بودند که حالا با داد و فریاد کودکش، زمین و زمان را گذاشته بسود روی سسرش. آقای رئیس‌جمهور... آقای خامنه‌ای، باید شما را ببینم. آقای رئیس‌جمهور!

مسئول تیم حفاظت که دید رئیس‌جمهوری ایستاده و پیگیر ماجراست، رفت و چند دقیقه بعد برگشت که: «حاج آقا، بچه اس.نمی‌دوم چه جوری از اردبیل خودش رسونده اینجا. گفته فقط می‌خوام آقای خامنه‌ای رو ببینم... حالا هم که دیده، التماس می‌کنه که می‌خوام حرف بزنم با آقا...» رئیس‌جمهور عیاشی را مرتب کرد و گفت: بنارین بیاد حرفش بر بزنه... وقت که داریم هنوز... بسپرک یکی دو دقیقه بعد، با تشنه وقتی که رئیس‌جمهور به زبان آذری پرسید: شما شنید که «اسلام بابا جان... خوش آمدی... حالت چطوره بسپرک...» زاناش اما بلند آمده بود و نمی‌توانست چیزی بگوید. پاسداری که او را آورده بود، گفت: «خب... اینم آقای خامنه‌ای... بگو حرفت رو دیگه... فایده‌ای نداشت. قفل زاناش باز نشد تا وقتی که رئیس‌جمهور به زبان آذری پرسید: شما اسمت چه بسپرک؟ این را که شنید، ترس و بهشت ریخت: «آقا جان! من مرحمت هستم از اردبیل تنها اومدم تهران که شما را ببینم... صحبتان گل نداشت تا «مرحمت» راحت و بی‌تکلف به زبان مادری از خودش و روستای محل زندگی‌اش بگوید و بعد هم برسد به آن خواهش عجیب و غریبش که: آقا جان... به مداحان و روحانی‌ها بگین دیگه روضه حضرت قاسم(ع) رو نخونن!...

جای گرمی

ماجرای مسجد و پایگاه بسیج روستای «جای گرمی» آغاز شد. روستایی از توابع شهرستان «گرمی» در استان اردبیل و دشت سرسبز مغان «مرحمت» فرزند دستفروشی بود که رزق و روزی‌اش را با خرید و فروش کالا در روستاهای منطقه بدست می‌آورد و مؤذن مسجد روستا هم بود. پای مرحمت به همین دلیل از چهار یا پنج سالگی به مسجد باز شده و تا بعدها

ادامه پیدا کرده بود. انقلاب که پیروز شد، مرحمت تازه هشت سالگی را تمام کرده بود و دو سال طول کشید تا در سال ۵۹، مسجد روستا بشود پایگاه بسیج و مسجد رفتن‌های مرحمت ۱۱ ساله بیشتر و بیشتر شود. آن روزها حضور و فعالیت کودک ۱۱ ساله در پایگاه بسیج البته خیلی چیز غریبی نبود و همیشه در امور فرهنگی و تبلیغاتی، کاری پیدا می‌شد که مرحمت از پس آن فریباید. کودک اردبیلی اما به این قانع نبود. در دوره‌های آموزش نظامی هم با وجود همه مخالفت‌ها و دشواری‌هایش شرکت می‌کرد و در ضمن، بکنه کارهای فرهنگی و تبلیغی پایگاه بسیج را پیش می‌برد. اگر چه جته کوچک و چهره کودکش اغلب تاب تو چشم بود اما حرف‌ها و کارهایش آن قدر بزرگانه به نظر می‌رسید که بسیجی‌ها و اهالی روستا گاهی واقعاً بچگی‌اش را فراموش می‌کردند. همدوره‌ای‌هایی که چهار یا پنج سال او بزرگتر بودند، تعریف کرده‌اند که مرحمت موقع صحبت کردن با مسئولان منطقه، در بیان کمبودها و محرومیت روستا، گفتن از مشکلات... اصلاً شباهتی به کودک ۱۱ یا ۱۲ ساله نداشت و همین ماجرا سبب حیرت همه و البته محبوبیت مرحمت در میان آن‌ها می‌شد.

اسلحه مرگبار

حتی در همان دهه ۶۰ برای خیلی‌ها دشوار بود بتوانند روزی را تصور کنند که مرحمت با آن جته و هیکل ریزه میزه، فرصت و امکان حضور جدی در جبهه را پیدا کرده است. در خوشبینانه‌ترین حالت شاید کاری در واحد تدارکات یا تبلیغات به او واگذار می‌شد تا شورش و شوق جبهه رفتنش را بخواباند. اما جالب است بدانید قهرمان یکی از ماجراهای عجیب و غریب جنگ که احتمالاً داستانش را در فیلم و سریال‌های دفاع مقدس دیده و یا جایی خوانده‌اید همین مرحمت مطلب خودمان است. عملیات، پیروزمنده تمام شده بود، بچه‌ها خط را شکسته و عراقی‌ها را تاراندند. داشت برمی‌گشت عقب که با دشمن رو در رو شد... فقهید توی تاریکی، افسر عراقی هنوز متوجه حضورش نشده. اطراف را کاود و توی تاریکی لوله بزرگی به دستش آمد... بخشی از آگروز لوهر بود که حین خاکریز زدن، کنده شده بود... آن را مثل اسلحه زیر بغلش گرفت، بلند شد ایستاد و با همان ته لهجه آذری فریاد زد: قفق... یا چیزی مثل قفق... افسر دشمن و همراهانش، بیشتر از اینکه معنی «قف» مرحمت را بفهمند از اسلحه عجیب و غریب و هولناک زیر بغل این رزمنده فسقلی جا خورده بودند... دست‌هایشان را بالا بردند و آن جور که مرحمت خواسته بود، بدون کوچک‌ترین مقاومتی تا مقر نیروهای ایرانی دویدند... افسر عراقی بیشتر از فکر کردن به اسارت، توی کف آن سلاح مرگبار عجیب و غریب مانده بود!

قاسم(ع) هم ۱۳ ساله بود

«اوغلان» در زبان آذری یعنی پسر، پسر ایرانی با بغض و بریده بریده به رئیس‌جمهور گفت: «آقا خواهش می‌کنم به آقایان روحانی و مداحان دستور بدین که دیگر روضه حضرت قاسم(ع) نخوانن!» بعد هم وسط گریه‌هایش ادامه داده بود که: «حضرت قاسم(ع) ۱۳ ساله بود که امام حسین(ع) به او اجازه دادند بر توی میدان و بجنگه، من هم ۱۳ ساله‌ام ولی فرمانده



سپاه اردبیل اجازه نمی‌ده به جبهه برم. هر چه التماسش می‌کنم، می‌گوید ۱۳ ساله‌ها رو نمی‌فرستیم، اگه رفتن ۱۳ ساله‌ها به جنگ بده، پس این همه روضه حضرت قاسم(ع) رو برای چی می‌خونن؟! کودکی که جلور رئیس‌جمهور وقت ایستاده بود، منطق، آرزو و عزم و اراده‌اش آن قدر شبیه مردهای آن روزگار بود که شخص اول مملکت احساس کرد باسخی به سؤالی‌ش ندارد. فقط پرسید: «بسپرک! شما مگر درس و مدرسه نداری؟ درس خواندن هم خودش یک جور جهاد است... این بار بسپرک جز گریه باسخی نداشت. حرف‌هایش را زده بود و چیزی را ننگفته نگذاشته بود. رئیس‌جمهور او را در آغوش گرفت و گفت: رفتی جبهه، سلام من رو به رزمنده‌ها بفرسون! قبیلش البته سپرد که تماس‌های لازم برای راه افتادن کار مرحمت گرفته شود. بسپرک اردبیلی این بار وقتی سراغ فرامنده سپاه و دیگر مسئولان جبهه می‌رفت، خاطرش جمع بود. حکم اعزامش را رئیس‌جمهور صادر کرده بود: «رفیق ما، مرحمت عزیز می‌تواند بدون محدودیت به منطقه اعزام شود. خودش را امضا سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور!»

... با نامه امام برمی‌گردد!

فرمانده سپاه اردبیل پیشاپیش خبردار شده بود که «مرحمت بالازاده» برای رساندن خودش به جبهه‌ها چه کرده است. همان طور که انتظارش را داشت، سرو کله مرحمت با لب‌های خندان پیدا شد. می‌توانست این بار هم او را راسر بدواند یا کاری کند که جایی پشت خط، دستش و سرش را بند کند. اما به همکاران گفته بود: چه فایده... اینو من می‌شناسم... الان نگذاریم، بزمه فردا می‌ره از امام خمینی نامه اعزام به جبهه می‌گیره با سفارش و ضمانت رئیس‌جمهور. یا به جبهه‌ها گذاشت. از ترس اینکه مبادا دوباره سن و سالش را بپاونه کنند، کم‌تر و دیر به دیر بر می‌آید. خودش را رسانده بود به «مهدی باکری» و با او رفتی به هم زده بود تا همیشه در کنارش باشد.

کودک آغاز دهه ۶۰، سرانجام ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ وقتی هنوز ۱۴ سال بیشتر نداشت، تا آخر مردانگی و بزرگی رفت و در عملیات بدر، کنار فرمانده‌اش «مهدی باکری» سر و صورت و سینانش را سپر تیر و ترکش‌هایی کرد که به تاراج حیثیت و غیرت زنان و مردان ایرانی بدون مجوز دهنده

خبر

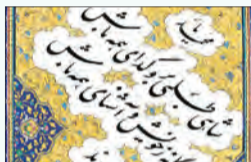
نقش آیت‌الله خامنه‌ای

در جلوگیری از تخریب آرامگاه فردوسی



فرهنگ و هنر: صفحه اینستاگرام «تاریخ ایران و جهان» از صفحات وابسته به دفتر حفظ و آثار رهبر معظم انقلاب با انتشار پستی، به نقش آیت‌الله خامنه‌ای در جلوگیری از تخریب آرامگاه فردوسی اشاره کرد. متن این نوشته چنین است: مقبره فردوسی نباید تخریب شود. هر چه بوی شاهان می‌داد، مشام مردم را می‌گزد. پهلوی ۵۰ سال ملیت را رو در روی اسلامیت قرار داده بود و همین بس بود که بعضی مذهبی‌ها فکر کنند، فردوسی هم آریامهری است. وقتی مقبره ضحاک اول پهلوی ویران شد، عده‌ای به سرشان زد که آرامگاه سراننده «شاهنامه» را هم باید خراب کرد اما یکی هم بود که از حکمت شیعی آمیخته با فاعولن فاعولن شاهنامه خبر داشت. وقتی خبر رسید به آقای خامنه‌ای که با پتک و کلنگ عازم توس شده‌اند، خطی نوشتند که مقبره فردوسی نباید تخریب شود. حرف ایشان را سند کردند و غائله خوابید. ما مدت‌ها دست‌نوشته‌شان در منظر عموم بود تا هم آرامگاه را حفظ کنند و هم توهم تضاد ملیت و اسلامیت را بزدایند.

«مهر قلم» در نگارخانه رضوان



فرهنگ و هنر: به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، نمایشگاه خوشنویسی «مهر قلم» با نمایش آثار حسین کافی مشهدی در نگارخانه رضوان مشهد گشایش یافت. «مهر قلم» با ۲۶ اثر در خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق از روز گذشته آغاز به کار کرده و تا ۴ مهر ماه میزبان حضور علاقه‌مندان به هنر خوشنویسی است. حسین کافی مشهدی در سن ۴۰ سالگی شروع به آموختن خطاطی می‌کند و در سال ۱۳۷۰ موفق به دریافت مدرک ممتاز می‌شود. او بعد از بازنشتن از آموزش و پرورش در مدارس و آموزشگاه‌های مختلف، خوشنویسی تدریس می‌کند و آموزشگاه آزاد هنری خودش را هم راه‌اندازی می‌کند. کافی مشهدی با وجود آثار متعدد و فراوانی که داشته تاکنون نمایشگاهی برگزار نکرده و «مهر قلم» نخستین نمایشگاهی است که توسط فرزندان این هنرمند خادم امام رضاع) برای تکرار و تکرار شده است. این آثار از میان تابلوهایی که از سال ۶۵ تا ۸۱ خلق شده‌اند، انتخاب شده است. نگارخانه رضوان در خیابان کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶ واقع شده است.

پس گرفتن جایزه ادبی به دلیل حمایت از فلسطین



ایستنا: جایزه ادبی «لی زاکس» آلمان از اعطای جایزه نقدی به «کامیلا شمس»، برنده اسامال این رویداد ادبی به دلیل فعالیت علیه اسرائیل خودداری کرد. جایزه ادبی «لی زاکس» که به نام شاعر آلمانی برنده نوبل برگزار می‌شود اسامال «کامیلا شمس» نویسنده بریتانیایی-پاکستانی را به عنوان برنده نهایی خود اعلام کرده بود اما پس از چند روز و در تصمیمی عجیب، هیئت داوران آلمانی این جایزه ادبی اعلام کرد به سبب نقش این نویسنده در بایکوت اسرائیل و فعالیت‌هایش در حمایت از مردم فلسطین از تصمیم خود صرف نظر کرده و جایزه ۱۵ هزار یورویی را به این نویسنده نخواهد داد.

شهدا واسطه پیوند ادیان

محمدعلی باشه آهنگر، کارگردان «سرو زیر آب» به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس در گفت‌وگو با قدس عنوان کرد



برش

اقتصاد سینما، فیلم‌های ارزشی را قربانی کرده است. فیلمسازان و بازیگرانی با دست‌مزدهای ناخوشایند وارد سینما شده‌اند که همین موضوع فیلمسازان جنگ را خائستش کرده است و تنها سب یا چهار نفر هنوز در این حوزه فعالیت می‌کنند.

این فروش به معنای تأیید این دست فیلم‌هاست؟ قطعاً فروش معیاری برای ارزش فیلم‌ها نیست. شش‌هفته حاکم بر سینما گواه بر این امر است که اقتصاد سینما، فیلم‌های ارزشی را قربانی کرده است.

فیلمسازان و بازیگرانی با دست‌مزدهای ناخوشایند وارد سینما شده‌اند که همین موضوع فیلمسازان جنگ را خائستش کرده است و تنها سب یا چهار نفر هنوز در این حوزه فعالیت می‌کنند.

دنیای متفاوت است. ما از میان ۸۰۰ میلیون جمعیت، حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون مخاطب سینما داریم اما بیشتر این مخاطبان هم فیلم‌های جدی نمی‌بینند. عمده فیلم‌هایی که در چند سال اخیر روی پرده رفته و در گیشه فروش بالایی داشته، فیلم‌های کم‌دی بوده است. اگر قرار باشد فیلمسازان بر این مینا فیلم بسازند، امثال من دیگر نباید فیلم بسازند. اگر فرض بر این باشد که مردم ایران مانند همه مردم جهان، هم فیلم کم‌دی ببینند، هم فیلم درام ببینند، هم فیلم تاریخی ببینند و هم فیلم فانتزی، در این شرایط همه سینماگران می‌توانند فیلم بسازند اما در شرایط فعلی، اکثر فیلمسازان به سمت ساخت فیلم طنز رفته‌اند، مسئولان و سینماداران هم تمام قد از

این روند احتمالاً به نابودی کوتاه‌مدت بسیاری از گونه‌های سینمایی خواهد انجامید. اگر فرض بر این باشد که من برای چه مخاطبی فیلم می‌سازم، باید بگویم که برای مخاطب جدی سینما، فیلم می‌سازم.

درباره فیلم «سرو زیر آب» هم صحبت کنیم، اگر دوباره این فیلم را بسازید همین قدر طولانی می‌سازید؟ به نظر می‌رسد که برخی خرده‌قصه‌ها چندان کمکی به خط اصلی قصه نمی‌کنند؟

اگر ۱۲۵ دقیقه به من فرصت می‌دادند، قائل به شخصیت‌پردازی حتی برای سرگرد و بقیه شخصیت‌های فیلم هم بودم و احساس می‌کنم پرداختن به این شخصیت‌ها در فیلم‌نامه، لازمه فیلم است. کدام بخش اضافی در فیلم وجود دارد؟ حضور دختر زرتشتی در کار اهمیت داشت، اینکه موبد بشود مهم بود چون می‌خواستیم بگویم حتی سیاوش آبادیان در آیین خودش خلاف آب شنا می‌کرد و نمی‌خواست که موبد بشود همچون جهانیش که داشت خلاف آب شنا می‌کرد، مثل سیاوش در فیلم ملکه. مخاطب باید از پیشینه برخی از کم‌حوصلگی این مخاطب دارد در حالی که زمان فیلم‌های آمریکایی را ببینید چقدر طولانی است. اگر فیلم‌هایی همچون درخت زندگی یا اینتر استار یا حتی تاکر که روی پرده سینماهای ایران بیاید، می‌فروشد؟ قطعاً نمی‌فروشد.

نمی‌خواسته موبد بشود و این رفتار دینی را در دوره خودش تأیید نکرده است، به جبهه‌های جنگ رفته و ۶ ماه اجباری‌اش تمام شده ولی در خط مقدم مانده و دیگر برنگشته است. این سیاوش آبادیان کیست که همه دنبال پیکرش می‌گردند.

نمی‌شد این‌ها جمع و جور تر گفته شود؟ خیلی جمع و جور است. فیلم خیلی ظرافت دارد. در این فیلم خواستم نشان دهم که شهدا موجب پیوند ادیان می‌شوند. خواستم بگویم که ادیان به واسطه شهدا می‌توانند به هم نزدیک شوند.

پس معتقدید که فیلم هیچ شخصیت اضافی ندارد؟ اصلاً شخصیت اضافی ندارد. می‌توانید مرد عرب اول فیلم را بردارید؟ اگر این شخصیت نبود، دیگر کسی با جهانیش کاری نداشت یا اگر سنگ جهانیش را بردارم، فلسفه این آدم درباره جهان دیگر و نشانه‌شناسی در فیلم کم‌رنگ می‌شود.

البته برخی منتقدان بر این باورند که نمادها در این فیلم خیلی زیاد است؟

برخی منتقدان می‌خواهند چند فیلم را در یک جشنواره ببینند و گاهی در یک روز باید چهار تا فیلم ببینند. بعد از دیدن فیلم باید چند نقد درباره آن بنویسند و بعد گفت‌وگوهای رسانه‌ای آن‌ها شروع می‌شود. آن یکی تمام نشده، گفت و گوی دیگری شروع می‌شود. چنین منتقدی نسبت به دیدن فیلم عجول است و نمی‌تواند آن را هضم کند. فیلم دیدن آدبی دارد و باید درباره فیلم فکر شود. اینکه فیلمی نماد زیادی داشته باشد، نشانه ضعف است؟ اتفاقاً نقطه قوت آن است. اینکه چند لایه باشد، خوب است. برخی به من گفتند که این فیلم ادای روشنفکری درمی‌آورد، من ادای روشنفکری دربارم بد است یا ادای اروتیک؟ یکی دیگر گفته بود که فیلم‌نامه مهندسی شده‌خ ب فیلم‌نامه‌ای که مهندسی نشده، فیلم‌نامه نیست یا می‌گفتند اسکلت فیلم پیداست. فیلم پر از حرکت و میزانشن دوربین است، آیا این بد است یا خوب؟ برخی این‌ها را ایراد می‌بینند. گاهی فکر می‌کنم که تماشاگر ایرانی برای فیلم‌های ۷۵ تا ۸۰ دقیقه‌ای ساخته شده و نه بیشتر. حتی زمان دیدن فیلم طنز هم چند بار به تلفن همراهش نگاه می‌کند که نشان از کم‌حوصلگی این مخاطب دارد در حالی که زمان فیلم‌های آمریکایی را ببینید چقدر طولانی است. اگر فیلم‌هایی همچون درخت زندگی یا اینتر استار یا حتی تاکر که روی پرده سینماهای ایران بیاید، می‌فروشد؟ قطعاً نمی‌فروشد.



هر چند کمی یا منفی برای خودش استفاده کرده به تنها باید اتفاقات و جریان‌های مربوط به آن مقطع زمانی مورد بررسی قرار گیرد بلکه باید با نگاهی موشکافانه به ریشه‌های تاریخی آن مراجعه کرد و پیشینه و منشأ اصلی پیدایش آن را مشخص نمود.

پیدایش سازمان شدند که در طول سال‌ها به نقطه حضيض فعلی‌اش رسیده است. در این اثر درباره سازمان مجاهدین خلق، تأسیس و تدوین ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق، آثار تألیفی سازمان مجاهدین خلق، آموزش‌های سیاسی و اجتماعی در این سازمان، گسترش تشکیلات ورود سازمان به مقاله آموزش نظامی، گردش به مارکسیسم، بازسازی سازمان در زندان و فعالیت‌های آن بعد از سرنگونی حکومت پهلوی، ترور و شورش‌های مسلحانه پرداخته شده است.

یک روایت معتبر درباره سازمان مجاهدین خلق «این نکته را یادآوری می‌کند که برای تحلیل و بررسی یک تشکل، حزب یا سازمانی که در برهه‌ای از تاریخ به وجود آمده و نام و اعتبار

شکل متبوع قدم بردارد و پیش برود. انتشارات به‌نشر با انتشار کتاب «یک روایت معتبر درباره سازمان مجاهدین خلق» از مجموعه «یک روایت معتبر» به قلم شهرام بزرگی به سراغ جریان‌ها و اتفاقات پیش از یک دهه قبل از تاریخ پیدایش سازمان مجاهدین خلق رفته است و با مشخص کردن سر منشأ پیدایش چنین احزاب و تشکل‌هایی در آن برهه حساس تاریخی، فعالیت این سازمان را در سال‌ها و جریان‌های متأخرتر روایت و در نهایت عملکرد آن‌ها را بررسی و تحلیل کرده است.

به‌طور خلاصه مخاطب در مسیر تحلیل و بررسی ماهیت و چگونگی پیدایش و فعالیت سازمان مجاهدین خلق از ظرفیت‌ها و جریان‌های اولیه آگاه می‌شود که بعدها به نوعی پایه‌گذار

فرهنگ و هنر: «یک روایت معتبر درباره سازمان مجاهدین خلق» با نگاهی بر تاریخچه یکی از مخوف‌ترین سازمان‌های تروریستی جهان توسط به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) چندروزی است به بازار کتاب آمده است.

شهریور ماه ۱۳۴۴ آغاز فعالیت رسمی تشکیلاتی به نام «سازمان مجاهدین خلق» بود؛ سازمانی که در نخستین اقدام به دلیل ناکافی‌اندن تفسیر رسمی از دین با ایجاد گروه‌های بحث به تدوین ایدئولوژی دینی و سیاسی خود پرداختند و تلاش کردند که کتاب‌ها و جزوه‌هایی را تهیه کنند که به عنوان متن آموزشی در سازمان استفاده شود تا افراد و فضای جدیدی که به سازمان وارد می‌شد از همان ابتدا با برنامه مدون و مشخصی در در مبارزات انقلابی خود طبق اصول

پیشنهاد امروز

تازه‌ترین تولید به‌نشر گذری است بر تاریخچه یکی از مخوف‌ترین سازمان‌های تروریستی جهان

یک روایت معتبر درباره «سازمان مجاهدین خلق»

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

دراجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصات زیر به مؤدیان نامبرده ابلاغ می‌گردد تا در زمان و مکان تعیین شده مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد.

ردیف	کلاس	نام مؤدی	سال عملکرد	شماره و تاریخ برگ	تخصیص	منبع مالیاتی	مبلغ مالیات به ریال	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۸۱	۱۶۶۱۰۰۱	پوروز فیاض‌فرانی زاده	۱۳۹۲	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۸۴۲۷۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۲	۱۶۵۰۰۰۱	رضوانی	۱۳۹۲	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۷۲۸۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۳	۹۶۳۷۰۰۷	حسین عزیزی	۱۳۹۲	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۴۴۵۵۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۴	۱۴۷۱۰۰۱	محمدحسین رضوی	۱۳۹۲	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۴۴۵۵۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۵	۱۷۲۰۰۱۱	قنبری	۹۱	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۱۴۰۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۶	۲۰۰۸۵	علی اکبر زارع پورگل ظنی	۹۵	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۲	مطالبه	ارزش افزوده	۴۰۹۰۵۷ و ۴۰۹۵۱ و ۴۰۹۴۴	۱۳۹۷/۱۲/۱۱	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۷	۲۶۶۲۰	الیاف سزایک اربوزان	۱۳۹۵	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۵	مطالبه	ارزش افزوده	۳۴۰۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۸	۵۰۷۸۳۳	حسن صبح صادق	۱۳۹۱	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۱	مطالبه	ارزش افزوده	۱۵۹۱۰۴۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۸۹	۶۱۳۹۴۴	هادی سبحانی	۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ و ۱۳۸۹	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۱	مطالبه	ارزش افزوده	۷۷۴۱۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۰	۵۹۰۸۳۳	محمد تجانی و شرکا	۱۳۹۶	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۶	مطالبه	ارزش افزوده	۳۰۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۱	۸۵۶۸۵۵	یعنی دریایی	۹۳ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۰ و ۸۹	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۳	مطالبه	ارزش افزوده	۴۸۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۲	۷۴۳۸۲	احمد علی واحدی	۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۸۹	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۰	مطالبه	ارزش افزوده	۳۳۱۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۳	۷۵۳۳۱۸	علیرضا سلطانی گل‌هایی	۱۳۹۶	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۶	مطالبه	ارزش افزوده	۴۸۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۴	۷۶۹۰۸۵	منوچهر رضایی	۱۳۹۶	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۶	مطالبه	ارزش افزوده	۴۸۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۵	۵۴۳۵۴۴	امین گلپایز کوین	۱۳۹۵	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۵	مطالبه	ارزش افزوده	۳۰۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۶	۷۱۴۴۴۴	دیده سنک تویس	۱۳۹۴	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۴	مطالبه	ارزش افزوده	۳۰۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۷	۲۵۳۵۴	کاوشگران آفتاب	۱۳۹۳	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۳	مطالبه	ارزش افزوده	۱۴۴۱۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۸	۱۷۵۷۵۲	آئین پنهان سپهر	۱۳۹۴ و ۱۳۹۵	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۴	مطالبه	ارزش افزوده	۳۹۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۹۹	۹۶۳۲۴	آرزگر تویس	۱۳۸۸ و ۱۳۸۹	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۸۸	مطالبه	ارزش افزوده	۱۴۰۰۰۰۰۰	۹۷/۱۲/۰۴	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی
۱۰۰	۶۰۵۴۳۳	ظفر پاشنی	۱۳۹۵	۶۳۳۸۸-۹۷/۲۷-۱۳۹۵	مطالبه	ارزش افزوده	۷۲۸۰۰۰۰۰۰	۹۷/۰۶/۲۷	چهاران - طالقانی ۳ - اداره امور مالیاتی

روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی